

## امسال

امسال هم کهنه‌تر از سال پیش  
پیراهنی ست  
که بوی یوسف نمی‌دهد  
و این چاه  
که دندان‌های تیزش را  
لای روزهای مان پنهان کرده است  
وقتی که عشق پاره می‌شود  
زیبایی زلیخا هم  
دکمه‌های ترس را  
باز نمی‌کند  
امسال هم باد  
آسمان را شخم می‌زند  
و بذر دوری می‌کارد  
پیراهنی که بوی کوری گرفته است.

## نامه

(برای یسرم سهراب)

در این روزهای تمام ابری  
آفتابی‌ات نمی‌کند  
سلامم  
و ملالم از دوری تو  
هر روز  
یک گل از پیراهنم برمی‌دارد  
و در یک خانه  
از چهارخانه‌ی لباس تو می‌کارد  
در این هوای تنگ  
درز دلم باز شدنی نیست  
و خیاط ثانیه‌ها سیاه می‌دوزد  
بر تن حوصله‌ام  
می‌دانی  
ما متهم به سایه‌ایم  
در خاطرات باد  
بگذار اعتراف کنم  
کم آوردم  
از درخت خوشبخت روبه‌روی خانه‌ات.